

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۴۱۰۲ رده بندی کنگره: ب ۲۱/۷۰۴۱۰

تجربه های کلیدی و مهم گزارش کارورزی

در مدرسه ریحانه النبی (س) به عنوان محل کارآموزی

الهه بوجاری*

پژوهشگر و محقق

دکتر انیس رضایی

دکتری جامعه شناسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان

چکیده

اهمیت آموزش و پرورش در دنیای امروز به حدی است که بسیاری از جامعه شناسان آن را مهم ترین نهاد در ساخت یک جامعه موفق می دانند. آموزش و پرورش در پروراندن فرد وبالنده کردن آنان نقش حیاتی دارد، شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی در زمینه های مختلف و رشد متعادل انسان در جنبه های مختلف عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی مسئولیت های سنگینی است که آموزش و پرورش باید انجام رساند. در آموزش و پرورش نقش نیروی انسانی مهم است و معلم از مهم ترین عوامل موثر در رشد و توسعه کیفی و محتوایی تعلیم و تربیت به شمار می آید، زیرا تربیت انسان نتیجه یک جریان متقابل دو جانبه و بالاخره حاصل عمل مربی و عکس العمل شاگرد است. برنامه کارورزی، فرصت به کار گرفتن آموخته ها و تعمیق تجربیات و توسعه ی شایستگی های حرفه ای را فراهم می کند. به عبارتی دانشجو معلم در برنامه ی کارورزی فرصتی به دست می آورد تا آموخته های نظری خود را به طور عملی به

کار گیرد. نتیجه‌ی نهایی این الگو در پایان دوره‌ی آموزشی، معلمان مستقل است که قادرند به صورت مداوم در مورد خود و فعالیت‌های خود به بازاندیشی و تفکر بپردازند که این خود منجر به رشد و پیشرفت پایدار حرفه‌ای معلم می‌شود.

گزارش حاضر در ارتباط با کارورزی باهدف مشاهده‌ی تاملی و دقیق موقعیت‌های آموزشی و تربیتی، روابط عاطفی و محیط فیزیکی در سطح مدرسه و کلاس درس جهت کسب و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای صورت گرفته است. در این گزارش اطلاعات جمع‌آوری شده از موقعیت‌های آموزشی-تربیتی، روابط عاطفی و محیط فیزیکی در سطح مدرسه و کلاس درس به صورت نظام‌مند توصیف شده و با کمک شواهد معتبر مسئله تبیین شده و بر آن مستندات علمی و پژوهشی ارائه شده است. همچنین برای تحلیل موقعیت‌های واقعی و انطباق آن با یافته‌های نظری خاطره اولین روز کارورزی و مطالعه موردی در قالب پژوهش روایتی تدوین و گزارش شده است جمع‌آوری اطلاعات جامع از رویدادها و موقعیت‌های آموزشی-تربیتی مدرسه و کلاس درس و تفسیر و تبیین آنها باعث کسب مهارت‌ها و تجارب ارزشمند معلمی گردید.

واژگان کلیدی: گزارش کارورزی، مدرسه، دانش آموز، محل کارآموزی، کارورزی

فصل اول: گزارش روایتی روز اول کارورزی

۱_۱. رفتن به اداره

دو روز قبل از رفتن به اداره جهت دریافت نامه کارورزی، با نعیمه ؛ دوست دوران دبیرستانم که باهم یک دانشگاه اما رشته های مختلف قبول شده ایم (من آموزش علوم اجتماعی و نعیمه راهنمایی و مشاوره) قرار گذاشتم تا باهم به اداره ناحیه دو شهرستان همدان (محل خدمت هر دوی ما ناحیه دو شهرستان همدان است) برویم.

روز دوشنبه برای هر دوی ما زمان مناسبی بود، زیرا نعیمه دوشنبه صبح ها کلاس نداشت و من هم یک کلاس هشت صبح داشتم که برای ساعت نه و نیم تمام می شد.

روز یک شنبه عصر کاملاً ناگهانی قرار شد ما سه شنبه عصر به مشهد مقدس ؛ سفر کنیم. این سفر به همراه دوستان هم هیئتمان بود و مدت ها منتظرش بودیم. و این امر باعث شد که حتماً دوشنبه صبح برای دریافت نامه ها اقدام کنیم و با خیال راحت به سفر برویم. یک شنبه شب مملو از ذوق و شوق بودیم، گویا در پوست خود نمی گنجیدیم ؛ بالاخره بعد از دو سال عازم سفر بودیم آن هم سفری زیارتی. به همین دلیل از همان شب تمام کارهای درس و دانشگاهمان را انجام دادیم تا دم رفتن عجله ای نشود.

در روز دوشنبه (۱۴۰۰/۷/۱۲) ساعت نه و چهل دقیقه با نعیمه سر کوچشان قرار داشتیم، صبح چند دقیقه قبل از کلاس بیدار شدم و کارهایم از جمله خوردن صبحانه و شستن دست و صورت را انجام داده و برای کلاس ساعت هشت آماده شدم، ساعت نه و نیم که

آقای گنجیان مراحل اولیه نامه کارورزی ما را انجام دادند و از ما خواستند که پیش آقای نورری مسئول پژوهش و فناوری رفته، امضای ایشان را برای ادامه فرایند صدور نامه بگیریم،

آقای نوری آن روز نبودند و جانشین ایشان آقای پیری نامه را امضا کردند. سپس جهت ثبت نامه در سیستم به دبیرخانه رفتیم، پس از ثبت و نوشتن کد مربوطه بر روی نامه دوباره به دفتر آقای گنجیان بازگشتیم. (ساختمان اداره از سه طبقه تشکیل شده بود و ما برای مراجعه به دفاتر دائما بین این طبقات در تردد بودیم و این کار بسیار نفس گیر بود) آقای گنجیان بقیه کارهای نامه ها را انجام دادند و سپس از ما پرسیدند که می خواهیم کارورزیمان را در چه مقطعی بگذرانیم ؛ من گفتم متوسطه دوم و نعمیه گفت متوسطه اول، آقای گنجیان هم برای انتخاب مدرسه ما را به سراغ مسئولین مربوطه فرستادند. زمانی که پیش مسئول متوسطه دوم رفتم متوجه شدم آن ها برنامه مدارس را ندارند و من نگران این بودم، روزی که آن مدرسه جامعه شناسی دارد با روز هایی که من کلاس دانشگاه دارم تداخل داشته باشند، به همین دلیل با ذهنی درگیر از اتاق خارج شدم. در این هنگام نعیمه را دیدم و از اون پرسیدم: چه مدرسه ای را انتخاب کرده است؟! نعیمه گفت: مدرسه هیأت امنایی دولتی ریحانۀ النبی.

من با شنیدن اسم مدرسه، یاد دختر عمم افتادم چرا که او همین امسال از این مدرسه فارغ التحصیل شده بود و عمم آشنایی با معاون مدرسه داشت. پس همان لحظه با عمم تماس گرفتم و ازشون خواستم از معاون مدرسه بپرسن که آیا برای روز شنبه یا یک شنبه کلاس مطالعات دارند یا خیر؟ بعد از چند دقیقه عمم با من تماس گرفت و گفت که دو کلاس، یکی نهم و دیگری هشتم درس مطالعات اجتماعی را با خانم عبدی که از نظر عمم (که خودشون بازنشسته دبیری مطالعات اجتماعی هستن)، معلم خوبی اند، دارند. به همین دلیل من هم نامه ام را برای مدرسه ریحانۀ النبی گرفتم.

اما چون خود آقای نوری نبودند و برای مرحله آخر نامه باید حتما امضای ایشان پایه نامه می بود آقا گنجیان به ما گفتند همه کار های نامتان انجام شده فقط بروید و بعدا بیاید برای دریافت امضای آقای نوری و رفتن به مدرسه. به همین دلیل کار ما آن روز به پایان نرسید و دریافت ناممان و رفتن به مدرسه به روزی دیگری موکول شد.

به اتفاق نعیمه از اداره خارج شدیم، نعیمه پیشنهاد داد که جایی رفته و چیزی بخوریم اما من یاد آوری کردم که فردا عازم مشهدیم و خیلی کار داریم، نعیمه هم با یادآوری این موضوع حرف من را تأیید و سریعاً اقدام به گرفتن اسنپ کرد. در کنار خیابان منتظر اسنپ ماندیم، اسنپ ما را به میدان شریعتی رساند و کنار خیابان پیاده کرد؛ ما معمولاً وقتی باهم از جایی برمی گردیم میدان شریعتی را مقصد انتخاب می کنیم چرا که این میدان بین خانه های ما دوتا است. بعد از خداحافظی و جد شدن از نعیمه تمامی مسیر برگشت اتفاقات آن روز را برای خودم بازگو و ضبط کردم تا موقع نوشتن گزارش موردی را از قلم نندازم، بعد از ده الی پانزده دقیقه به خانه رسیدم و ماجرای آن روز را برای خانوادم شرح دادم.

۱-۲. اولین روز حضور در مدرسه

روز یکشنبه (۱۴۰۰/۷/۱۸) عصر من و نعیمه از سفر بازگشته و به همدان رسیدیم. آن روز را در کنار خانواده بودیم و علاوه بر خستگی در کردن اتفاقاتی که در سفر افتاده بود را برای آن ها تعریف کردیم، روز دوشنبه خیلی خسته بودیم برای همین نتوانستیم به اداره و مدرسه برویم، روز سه شنبه هم من کلاس داشتم، به همین دلیل ناچاراً برای روز چهار

شنبه (۱۴۰۰/۷/۲۱) ساعت بیست دقیقه به ده قرار گذاشتیم (این بار هم چون من از ساعت هشت تا نه و نیم کلاس داشتم نمی توانستیم اول وقت به اداره برویم).

صبح روز چهارشنبه ساعت شش از خواب بیدار شدم و بعد از خواندن نماز به مطالعه مشغول شدم، بخاطر سفری که رفته بودیم از کارها و درس هایم عقب افتاده بودم و باید هر زمانی را غنیمت دانسته و از آن استفاده می کردم، بعد از خواندن مطالبی که با خودم قرار گذاشته بودم کارهای صبحگاهی از جمله خوردن صبحانه و... را انجام دادم. زمانی که کارهایم تمام شد دیدم ده دقیقه تا زمان کلاس وقت دارم و چون صبح زود بیدار شده بودم و خوابم می آمد آن ده دقیقه را چرت کوتاهی زدم و ساعت هشت بیدار شده و در کلاسم آنلاین شدم، بعد از اتمام کلاس می خواستم آماده شوم که پدرم گفت به نعیمه بگویم ده دقیقه دیرتر بیاید، من هم علت را جویا نشدم و صرفاً به نعیمه خبر دادم. ساعت یک ربع به ده به اتفاق پدر و مادرم از خانه خارج شدم ؛ آن ها می خواستند به بازار بروند و گفته بودند ماراهم سر راه می رسانند. به محض رسیدن به محل قرار (روبه روی کوچه خانه نعیمه) نعیمه را سوار کرده و به سمت اداره حرکت کردیم. بعد از رسیدن از خانواده خداحافظی کرده و به داخل اداره رفتیم، این بار مستقیم به دفتر آقای نوری رفتیم، خداشکر ایشان حضور داشتند، در زدیم و داخل شدیم اما خانمی در کنار آقای نوری بودند که از ما خواستند چند دقیقه صبر کنیم. بعد از حدود ده الی یک ربع صبر کردن دیدیم کار آن ها تمام نمی شود پس دوباره در زدیم و این بار ما را راه دادند و آقای نوری از ما پرسیدند که چه کاری داریم ؟، برای ایشان جریان نامه کارورزی را توضیح دادیم و گفتیم برای دریافت نامه آمدم، آقای نوری هم سیستم خود را چک کردند و گفتند نامه

صادر و به دبیرخانه ارسال شده، از آقای نوری تشکر کرده و به دبیر خانه رفتیم، در دبیر خانه به ما گفتند که نامه را به مدرسه ارسال کردند و نیازی نیست ما نامه ای دستی دریافت کرده و به مدرسه ببریم و همین الان می توانیم برای شروع کارورزی به مدرسه برویم.

از اداره خارج شدیم، هردو به یاد داشتیم که مدرسه ریحانه النبی خیلی به اداره نزدیک است اما دقیق نمی دانستیم باید بالا برویم یا پایین، من به نظرم رسید باید به سمت بالا برویم پس به آن سمت حرکت کردیم بعد از حدود ده الی پانزده دقیقه دیدیم که به مدرسه نرسیدیم و می دانستیم مدرسه انقدر از اداره دور نیست، پس در ابتدا سعی کردیم آدرس مدرسه را از روی نقشه پیدا کنیم اما تلاشی ناموفق بود پس به سراغ سوپر مارکتی رفتیم که نزدیک آن بودیم رفتیم و سوال کردیم و بهمون گفتن اشتباه اومدیم و باید به سمت پایین می رفتیم، ماهم مسیر اومده رو برگشتم و بارفتن به سمت پایین فهمیدیم نه تنها مدرسه ریحانه النبی به اداره نزدیکه بلکه دقیقا بهم چسبیدن.

در کنار درب ورود بنر قبولی های مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان به چشم می خورد که در بین اون تصاویر تصویر دختر عمه من هم بود، با لبخند به بنر نگاه کردم و سپس وارد مدرسه شدیم، اولین چیزی که به چشم می خورد حیاط همچون باغ مدرسه بود که شباهتی به مدرسی که تا آن روز دیده بودم نداشت، در سمت راست صفحات فلزی به رنگ زرد وجود داشت که گویا حیاط خانه سرایدار را از حیاط مدرسه جدا می کرد، در سمت چپ هم بخش هایی از ساختمان اداره به چشم می خورد که در کنار آن ساختمان ها ماشین هایی پارک شده بودند.

راستش بعد از ورود به مدرسه حس خاصی نداشتیم، بودن در مدرسه خوب و دوست داشتنی است اما شور و شوق مدرسه به دانش آموزانش است که به دلیل کرونا ما از دیدن آن ها محرومیم. در همین حس و حال ها بودیم که خط کشی های صف هارو دیدیم، روی خط کشی ها هم هر چند تا در میون علامت خطر بود که دانش آموزان در زمان کرونا فاصله اجتماعی را رعایت کنند.

از مسیری که در دو طرف آن انواع گیاهان و درختان وجود داشتند گذشتیم و وارد فضای باز حیاط شدیم، روبه رویمان سرویس بهداشتی و روشویی وجود داشت و در حیاط یک زمین بسکتبال و یکی زمین والیبال که در آن یک تور فوتبال هم بود دیده می شد ؛ برای من خیلی سوال برانگیز بود که چرا فقط یک تور فوتبال باید وجود داشته باشد ؟

در سمت چپ ساختمان مدرسه بزرگ نوشته بود موزه مدرسه ؛ قبلا از پدرم درباره این موزه شنیده بودم که مردی خوش ذوق (آقای قشمی) در طبقه پایین مدرسه موزه آموزش پرورش درست کرده و در اون وسایل و اطلاعاتی از زمانی که اولین مدارس در قالب مکتب خانه ها وارد ایران شدند تا همین امروز جمع آوری کرده و نگهداری می کند.

آگاهی از اینکه این مدرسه از قدیمی ترین مدرسه های همدان است باعث می شد که از نمای آجری بسیار قدیمی و پنجره هایی با شیشه های کوچک خانه خانه که امروزه دیگر کاربردی ندارند تعجب نکنیم.



دوازده پله را طی کردیم تا به در وردی رسیدیم، در کنار پله ها دو گلدان کاج وجود داشت و پله ها با کاشی شکسته های رنگی تزئین شده بودند، در ساختمان هم دارای شیشه های رنگی جذابی بود.

با ورود به ساختمان اولین چیزی که به چشم می خورد درب سالن آمفی تئاتر بود، نام مدرسه و سوره کوثر در سمت راست درب آمفی تئاتر نوشته شده بود. تصاویر شهدا در سمت چپ آن بود. در سمت راست، دفتر معاونین قرار داشت که گویا تمام کادر آنجا بوده و جلسه داشتند، وقتی ما در زدیم و دلیل مراجعمان را توضیح دادیم از ما خواستند که صبر کنیم تا جلسه تمام شود. در مدتی که باید صبر می کردیم با نعیمه گرم صحبت شدیم، در این هنگام من پیش خودم فکر می کردم که این مدرسه بسیار بزرگ و با جزئیات است و قطعا نوشتن گزارش فیزیکی آن کار بسیار سختی است و چقدر هم درست فکر می کردم.

جلسه که تمام شد مدیر مدرسه خانم رضایی که فردی بسیار اجتماعی و خوش برخورد بود با ما سلام و علیک کرده و خوش آمد گفت، ما از ایشان پرسیدیم که آیا نامه های ما را دریافت کردند و خانم عصارى معاون ایشان گفتند بله نامه ها به دستشان رسیده. خانم رضایی به ما گفتند که می توانیم کارهایمان را از طریق خانم عصارى پیگیری کنیم (خانم عصارى برخلاف خانم رضایی شخصیتی بسیار آرام داشت و با آرامش خاصی رفتار می کردند) و ایشان اجازه گشتن در مدرسه و عکس برداری و گزارش نویسی را هم به ما دادند، سپس مشاورین مدرسه از اتاق خارج شدند و چون نعیمه رشته اش راهنمایی و

مشاوره بود خانم رضایی او را به مشاورین معرفی کرد و نعیمه شروع به صحبت با مشاورین کرد که البته آن ها چند دقیقه دیگه لایوی آموزشی داشته و بسیار عجله داشتند اما تا آنجا که توانستند با روی خوش نعیمه را راهنمایی کردند، در این زمان من پیش خانم عساری رفته و از ایشان شماره خودشان، مدرسه و خانم عبدی دبیر مطالعات اجتماعی را گرفتم و پرسیدم که چطور باید در گروه شاد عضو شوم و ایشان گفتند از طریق خود خانم عبادی اقدام کنم. بعد از پایان صحبت هایمان با نعیمه به درب وردی مدرسه بازگشتیم و از آنجا شروع به یادداشت برداری برای مشاهده فیزیکی کردیم و همون طور که فکر می کرد کار خیلی سختی بود و ما دو الی سه ساعت درگیر این موضوع بودیم و زمانی که کارمان را به اتمام رساندیم بسیار خسته و بی رمق شده بودیم، در همان هنگام صدای اذان را شنیدیم و تازه متوجه شدیم چه زمان طولانی مشغول مشاهده، یادداشت برداری و عکاسی بوده ایم.

در پایان به دفتر بازگشتیم و فقط خانم عساری را در آنجا دیدم از ایشان خداحافظی و تشکر کردیم و باهم از مدرسه خارج شدیم.

چون بسیار گرسنه و تشنه بودیم به مغازه ای در آن طرف خیابان رفته و کیک و آب میوه خریدیم، در ایستگاه اتوبوس نشسته و آن ها را خوردیم، سپس نعیمه اسنپ گرفت و با اسنپ به میدان شریعتی رفته و از آنجا هر کدام پیاده به سمت خانه هایمان رفتیم.

۱-۳. اولین روز حضور در برنامه شاد

شب قبل از رفتن به اداره، برای تحویل گرفتن نامه برنامه شاد را نصب کردم. تا اگر لازم شد در مدرسه من را عضو گروه کنند مشکلی نباشد. راستش از دیدن امکانات و بخش های زیاد برنامه شاد تعجب کردم، چراکه اصلاً فکر نمی کردم انقدر برنامه کاربردی باشد، حقیقتاً خوشم آمد.

روز چهارشنبه (۱۴۰۰/۷/۲۱) بعد از برگشتن از مدرسه به خانم عبدی پیام دادم (در خود برنامه شاد) و بعد از سلام و احوال پرسی و معرفی خودم ازشون خواستم که من رو داخل گروه های کلاس های روز یک شنبه کنند. ایشون در یک پیام کوتاه بعد از سلام به من گفتند که باید مدیر یا معاون به ایشون اطلاع بدن، من هم به خانم عصارى پیام دادم و ازشون خواستم به خانم عبدی اطلاع بدن. تا روز جمعه صبر کردم اما دیدم خبری نشد، پس به خانم عبدی پیام دادم و پرسیدم آیا خانم عصارى به شما اطلاع دادن و ایشون گفتن خیر. پس من هم با کمی خجالت دوباره به خانم عصارى پیام دادم و یادآوری کردم. ایشون همون موقع به خانم عبدی پیام دادند اما تا خانم عبدی پیام را ببیند، شماره من را بگیرد و من را به گروه ها اضافه کند شد شنبه عصر طرفای ساعت شش و نیم.

من به سه گروه اضافه شدم که مربوط به کلاس های ۸۰۵، ۹۰۱ و ۹۰۴ بودند (دو گروه مربوط به مطالعات پایه نهم و یه گروه مربوط به مطالعات پایه هشتم) کلاس های نهم ۳۴ و ۳۵ نفره و کلاس هشتم ۳۳ نفره بود. در ابتدا وارد تک تک گروه ها شدم و نگاهی کلی به پیام های قبلی انداختم اما چیز خاصی دستگیرم نشد چرا که پیام های دانش آموزان پاک

شده بودند و صرفاً پیام های معلم وجود داشت. اما مطالبی تحت عنوان خلاصه دروس و فیلم های تدریس دروس در گروه موجود بودند.

سپس نگاهی به پروفایل ها انداختم ؛ پروفایل گروه های دو کلاس نهم زمینه بنفش رنگی بود که روی آن نام کلاس نوشته شده بود ولی گروه کلاس هشتم پروفایل نداشت.

همه دانش آموزان نام و نام خانوادگی کامل خود را بر روی پروفایلشان نوشته بودند (عده ای از دانش آموزان شماره کلاسشان را نیز نوشته بودند) و اکثر دانش آموزان در هر سه کلاس تصویر مدرسه که روی آن نام، نام خانوادگی و شماره کلاسشان را بر روی آن نوشته بودند بر روی پروفایل گذاشته بودند و بیوگرافی هایشان نیز همین موارد بودند و ما بقی روی یک زمینه ساده رنگی یا عکسی متفرقه این اطلاعات را نوشته بودند، عده ای از دانش آموزان نیز بودند که با خواهر یا برادرشان باهم از برنامه استفاده می کردند و اطلاعات هر دو بر روی پروفایلشان بود. علاوه بر دانش آموزان ؛ معلم، خانم رضایی و خانم عصارى نیز در گروه ها عضو بودند.

فصل دوم: گزارش فیزیکی مدرسه

۲-۱. گزارش فیزیکی

دبیرستان دخترانه هیئت امنایی ابن سینا واقع در خیابان طالقانی شهر همدان جنب اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ می باشد. نام این مدرسه در گذشته ابن سینا بوده و به علت تعدد نام ابن سینا در مدارس شهرستان همدان نام این مدرسه به ریحانه النبی تغییر کرده است. این مدرسه در ۷ اسفند ۱۳۸۶ با شماره ی ثبت ۲۱۶۵۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.

تاریخچه و معماری مدرسه ریحانه النبی: در ۱۲۶۰ شمسی «آنی مونت گمری»، از طرف میسیونرها مسئول راه اندازی مدرسه دخترانه امریکایی در همدان شد. میسیونرهای همدان به فکر ساخت و ساز بنای مدرسه بودند که پاسخ گوی آموزشی مناسب برای حداقل یک سده ی آینده باشد. بنابراین «مسترهایکس»، کشیش ارامنه، که در همدان به مسترهایکس ارمنی معروف بوده، از سوی میسیونرها موظف به پیدا کردن جای مناسب برای احداث مدرسه امریکایی می شود، او پس از تحقیق در نهایت باغچه ای بزرگ و معروف به «باغچه ی آیوسف» را برای احداث مدرسه در نظر گرفت که مکانی با ۱۲۰۰۰ متر مربع در جنوب شرقی همدان در منطقه ای معروف به «باغچه آیوسف» برای تأسیس مدرسه خریداری کردند که در تملک فردی به نام عنایت الدوله بود. در سال ۱۲۸۴ هجری خورشیدی ساختمانی سه طبقه در این مکان ساخته شد و مدرسه امریکایی ها رسماً آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۱۳ امریکایی ها سند این دبیرستان را به نام دولت شاهنشاهی واگذار

کردند که در سال ۱۳۱۹ این مکان به صورت رسمی در اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شد. طرح و نقشه‌ی مهندسی به کار رفته در بنا ترکیبی از معماری اروپایی و دوره‌ی قاجار است. بنای این مدرسه دارای پلانی صلیبی شکل است و مصالح به کار رفته در آن آجر و دارای دیوارهای قطور و باربر است. در قسمت داخل بنا سقف لمبه کوبی است و از لحاظ نمای بیرونی دارای تزیینات ساده آجری با تناسب‌های خاص، منظم و زیباست.

ورودی مدرسه بنر قبولی دانش آموزان در دبیرستان های استعداد درخشان و نمونه دولتی به چشم میخورد. در کنار تابلوی مدرسه، تابلویی با عنوان موزه آموزش و پرورش استان همدان نصب گردیده است. در ورودی دارای نقش بوعلی سینا و آرامگاهش به همراه دو کتاب مشهور او یعنی شفا و قانون است. پشت در مدرسه تلفنی عمومی جهت استفاده دانش آموزان قرار داده شده.

ورودی مدرسه سراسیمه تندی دارد و ساختمان اداره نیز در سمت چپ مسیر به چشم می خورد و پایین تر از ساختمان اداره و در فضای حیاط مدرسه آنتن مخابرات نصب گردیده. در سمت راست مسیر منزل سرایدار وجود دارد که با ورقه فلزی به رنگ زرد از ورودی جدا گردیده. در دو طرف حیاط گل ها و درختان مختلفی مثل درخت کاج، سیب و گل رز وجود دارد.

قبل از ساختمان اصلی، در خروجی اضطراری مدرسه به چشم می خورد که به طبقه دوم ساختمان یعنی طبقه اول مدرسه می رسد و آزمایشگاه و کارگاه فناوری و اتاق مشاور در این مکان واقع شده اند ؛ در این قسمت دو تابلو اعلانات مربوط به دفتر مشاور و یک تابلو

در سمت چپ و پشت درختان فضایی خالی جهت پارک ماشین ها وجود دارد. در امتداد همین سراسیمی در سمت چپ تابلوی اعلاناتی با محتوای سند تحول و انتظارات آن از بخش های مختلف به چشم میخورد. ما بین پارکینگ و حیاط مدرسه، در بین درختان و باغچه ها، چاه آب مدرسه وجود دارد که با ورق فلزی طوسی رنگ پوشانده شده و بر روی آن تخته چوب های وجود دارد. در میان درختان نیز چراغ هایی جهت روشنایی حیاط نصب شده است. در مقابل ورودی ساختمان اصلی و بعد از حیاط، ۸ پله رو به بالا وجود دارد که در دو طرف آن نیز ۷ صندلی ۴ نفره سیمانی وجود دارد. بعد از تمام شدن پله ها فضایی خالی وجود دارد که کف آن با سنگ پر شده است و دو طرف آن نیز از علفزار ها تشکیل شده است. بعد از این فضای سنگی به سالن ورزشی آموزشگاه می رسیم که پشت به مدرسه است و دانش آموزان از کنار آن عبور کرده تا به در ورودی برسند. در کنار ورزشگاه یازده پنجره دو قسمتی نیز به چشم میخورد. در کنار ورزشگاه ساختمانی بزرگ وجود دارد که موتورخانه می باشد.

بعد از ورزشگاه و موتورخانه، ساختمانی متروکه وجود دارد که با توجه به دیوارنوشته های ساختمان، به نظر می رسد که نمازخانه بوده است که با دو راه پله هفت پله ای به داخل راه پیدا می کند. با توجه به وجود سینک در این مکان به نظر می رسد که مجهز به سرویس بهداشتی نیز بوده. همچنین اتاقی دیگر نیز به جز این دو مورد در قسمت انتهایی وجود دارد که چوب های سقف آن بیرون زده و نشانگر قدیمی بودن این ساختمان می باشد. این ساختمان همچنین مجهز به چهار پنجره دو قسمتی که با توری فلزی ایمن شده است می باشد. البته این پنجره ها فاقد شیشه بوده و فقط چهارچوب آن وجود دارد.

در گوشه این ساختمان و در کنار راه پله ها درخت وحشی قدیمی نیز وجود دارد. بین این ساختمان و ورودی ورزشگاه، درخت توت کهنسالی وجود دارد که دو دست توانایی محاسبه قطر تنه آن را ندارد. پس از رسیدن به در ورودی ساختمانی که در ابتدا فکر می کردیم ورزشگاه است، با دیدن لوله های آب و... پی بردیم که این ساختمان استخر می باشد و ساختمانی که فکر می کردیم موتورخانه مدرسه است، در واقع منبع تامین آب و برق و گرمای همین استخر بوده است. سپس متوجه شدیم در ورودی استخر از پشت مدرسه و دارای تابلوی جدایی می باشد، حین مشاهده افرادی ناشناس را دیدیم و از آن ها نام این ساختمان را پرسیدیم که آن ها به ما گفتند اینجا استخر آموزش و پرورش ناحیه دو است که البته به دلیل کرونا تعطیل می باشد. آن مرد به ما گفت شما در اینجا چکار می کنید ؟ و ما نیز توضیحاتی در خصوص کارورزی و گزارش نویسی ارائه کردیم. سپس آن مکان را ترک کردیم و به حیاط اصلی مدرسه بازگشتیم. در مقابل ساختمان اصلی و در سمت راست، سرویس بهداشتی مدرسه با نمای آجری و نقاشی هایی به شکل گل و

رودخانه وجود دارد. (درب سرویس بهداشتی به علت کرونا بسته بود و ما نتوانستیم داخل آن را مشاهده کنیم) در فاصله کمی از مدرسه نیز آبخوری با پنج شیر وجود دارد که توسط پله ای از سطح حیاط جدا شده است. در مقابل دستشویی دو تور بسکتبال و خط کشی های روی زمین وجود دارد که ما بین این دو نیز درختی قدیمی و بلند بالا به چشم میخورد.

در وسط حیاط و دقیقاً مقابل ورودی ساختمان اصلی دایره هایی قرمز و سبز رنگ بر روی زمین نقاشی شده است که دانش آموزان در دوران کرونا و الزام رعایت فاصله اجتماعی، باید بر روی دایره های سبز رنگ بایستند.

در سمت چپ تور والیبال و همچنین ورودی موزه مدرسه و یک دروازه فوتبال نیز به چشم می خورد. در سمت راست ساختمان و دقیقاً کنار مدرسه، کیوسکی وجود دارد که با توجه به طبقه بندی های داخل آن به نظر می رسد که بوفه مدرسه بوده است که هم اکنون در آن بوم نقاشی، در های کهنه و تخته چوب دیده می شود.



در سمت راست ساختمان مدرسه بزرگ به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده بود موزه مدرسه! زمانی که به آن سمت حرکت کردیم دو در که کنار هر کدام سه پنجره (پنجره ها غیرقابل بازشدن بودند) وجود داشت دیدیم، یکی از درها باز بود و تابلویی با عنوان گنجینه آموزش و پرورش استان همدان - موزه مدرسه بالای آن قرار داشت. ما وارد موزه شدیم اما چون کسی آنجا نبود و مسئولش حضور نداشت سریعاً خارج شدیم، البته من بعداً درمورد موزه تحقیق کردم و متوجه شدم این موزه در حال حاضر به شکل موزه عمومی درآمده است و با شعار موزه مدرسه زمانی برای بازی، فرصتی برای شادی، گاهی برای جستجو و جایی برای آموزش، شامل ۶ بخش ذیل می‌باشد:

بخش ۱: همدان شناسی

بخش ۲: تاریخ آموزش و پرورش

بخش ۳: مکتب خانه

بخش ۴: اتاق حکیم ابوعلی سینا

بخش ۵: اتاق هنرمند ایرانی و کارگاه هنری

بخش ۶: اتاق مفاخر و مشاهیر

سپس به سمت ساختمان اصلی می‌رویم (پنجره های رو به حیاط ساختمان نمایی قدیمی و مربعی شکل دارد و نمای ساختمان نیز آجر بندکشی شده است.)، در سمت راست راه پله

ورودی پرچم ایران اسلامی به چشم می خورد، در کنار راه پله ورودی دو گلدان کاج وجود دارد و با گذر از ۱۲ پله به ساختمان اصلی وارد می شویم. نمای پله ها با کاشی شکسته رنگی تزئین شده و پله ها نیز دارای استوک برای ایمنی بیشتر هستند. در سمت راست و بالای پله ها رنگی فلزی و نارنجی رنگ و تابلوی اعلانات و در سمت چپ نیز چراغ برق، دوربین و پلاک مدرسه وجود دارد. دم ورودی نیز موکتی برای خشک کردن پا و جلوگیری از خیس شدن راهرو نصب گردیده است.

بعد از ورود، در سمت راست صندوق صدقات، دستگاه ضد عفونی و سیستم ثبت حضور و غیاب هوشمند وجود دارد. دفتر معاونین نیز در این سمت واقع شده است که مدیر نیز در اتاق انتهایی این دفتر کار می کند. (دفتر مدیر درب ورد جدایی نیز داخل راهروی اصلی دارد.)

دو تابلوی اعلانات در سمت راست راهرو به همراه تابلو برق، چشم انداز مدرسه و ساحت های تعلیم و تربیت وجود دارد. کف راهرو سنگ با طرح و رنگ طوسی و خال های مشکی است و بر روی آن برچسب های فاصله گذاری ۱.۵ تا ۲ متر چسبانده شده است.

در سمت چپ دو سطل زباله یکی مخصوص بازیافت و دیگری مخصوص ماسک و دستکش، دستگاه ضد عفونی و دستگاه ثبت حضور غیاب هوشمند وجود دارد. در این سمت و دقیقاً در مقابل اتاق معاونین، اتاق امور دفتری است و بعد از آن دو تابلوی اعلانات دو بخشی بزرگتر از سمت دیگر وجود دارد که در آن مشخصات تعدادی از شهدا همراه با عکس و میثاق نامه اولیا، دانش آموزان و همکاران وجود دارد. (در بالای ورودی تمامی

اتاق های مدرسه اعم از کلاس، نمازخانه و... عکس هایی از شهدا روی شاسی چاپ شده همراه با مشخصات و مختصری از وصیت نامه آن ها (در مقابل در ورودی سالن اجتماعات است که در دو طرف آن استند های گل و روی هر کدام ۷ گلدان دیده می شود، در سمت راست تصویر رهبر انقلاب و در سمت چپ تصویر امام خمینی (ره) وجود دارد، قاب ورودی سالن اجتماعات نمایی سستی، منقش به عکس شهیدان و همچنین سوره کوثر است.

در راهروی سمت راست ؛ در ورودی دفتر مدیر ، دو کلاس درس، آبدارخانه و چهار صندلی، آب سرد کن (جلوی آب سرد کن را با چسب پهن بسته اند ؛ احتمالاً بخاطر کرونا این کار را کرده اند)، تابلوی اعلانات متحرک (بر روی این تابلو احادیثی از امام علی (ع) وجود دارد) و کمد دیواری وجود دارد. و در سمت راهروی سمت چپ تکیهات، دو کلاس درس، و دو کمد دیواری و چهار صندلی دیگر و بر روی دیوار آینه ای نسبتاً بزرگ، سه بنر مربوط به افراد برتر درسی و نمودار تشکیلات یاران مدرسه به چشم می خورد. در انتهای این راهرو سرویس بهداشتی دبیران وجود دارد که با برگه ای ورود دانش آموزان را ممنوع کرده اند. علاوه بر در خروج اضطراری که در ابتدا ذکر شد. در دو سمت راهرو های طبقه اول، دو در خروج اضطراری دیگر نیز وجود دارد.

در هر دو طرف راهرو طبقه اول راه پله هایی با یازده پله به سمت بالا وجود دارد (هر دوی این راه پله ها ابتدا به یک پاگرد و بعد به طبقه دوم متصل می شوند) که نمای آن با کاشی شکسته تزئین شده. بین پاگرد ها پنجره ای بزرگ با شیشه های مربعی شکل وجود دارد که

همه کلاس ها ۲ یا ۳ و نهایتا ۴ پنجره بازشو و دارای طاقچه، سه تخته وایت برد متصل، سطل زباله صورتی، ساعت، عکس امامین انقلاب، پرده به رنگ طوسی، صندلی تکی یا نیمکت، برد سبز رنگ، آیه های قرآنی و دیوار هایی به رنگ صورتی یا گلبهی یا سبز که تماما رنگ و فاقد سنگ است و تنها نواری چوبی مابین آن وجود دارد، همراه با دو رادیاتور می باشد. همچنین میزی فلزی به همراه رومیزی با طرح ترمه و صندلی برای معلم وجود دارد. در قسمت انتهایی کلاس ها، تو رفتگی هایی وجود دارد که محلی برای آویزان کردن لباس است و در انتهای کلاس و مقابل تابلو، روی دیوار بردی نیز به منظور چسباندن محتواهای مورد نیاز موجود است. همچنین در بالای تابلو پرده دیتا، دو لامپ مهتابی و در سقف نیز دستگاه دیتا پروژکتور و چند لامپ مهتابی دیگر وجود دارد. (این

توضیحات درمورد تمامی کلاس های مدرسه است، چه کلاس های طبقه اول، چه کلاس های طبقه دوم).

سه کلاس استثنایی در این مدرسه وجود دارد که دو تا از آن ها در طبقه اول و دیگری در طبقه دوم است که با سایر کلاس ها متفاوت است (البته چون سر در این کلاس ها مانند مابقی شماره کلاس وجود دارد ما احتمال می دهیم این کلاس ها در گذشته موضوعی بودند ولی اکنون کاربری همچون دیگر کلاس ها دارند)، یکی از این کلاس ها، کلاس ریاضی به نظر می رسد که در ورودی و دیوار های آن فرمول های ریاضی نقاشی شده است. نیمه پایینی دیوار ها با آذران قهوه ای پوشیده شده است، کلاس مجهز به تابلوی وایت برد و هوشمند به صورت توامان می باشد. در بالای تابلو ساعت دیواری، و دو لامپ مهتابی وجود دارد. پرده ها بر خلاف سایر کلاس ها پرده هایی فانتزی با نقش گل های بهاری است. در اطراف کلاس عکس و جملات بزرگان ریاضیات دیده می شود. سقف کلاس نیز علاوه بر دستگاه دیتا پروژکتور، دارای نقاشی کهکشان راه شیری می باشد که بسیار زیبا و چشم نواز است. همچنین این کلاس به جای صندلی تکی، به میز و نیمکت های تک نفره بسیار مرتب مجهز است. (در زمان مراجعه ما به مدرسه دو کودک که گویا فرزندان کادر مدرسه بودند در این کلاس مشغول بازی کردن و درس خواندن بودند.)

کلاس دیگر نیز از ظاهر و کارهای دستی نصب شده در آن برمی آید که کلاس هنر بوده باشد. این کلاس نیز دارای میز و نیمکت اما نه به مرتبی کلاس قبل، البته تقریباً یک شکل

می باشد و سایر جزئیات کلاس همانند کلاس های معمولی دیگر است. (در این اتاق یک کمد دو در نیز وجود دارد)

کلاس سوم، در ورودی آن طرح فرش دارد و در بالای ورودی نیز کاموهای رنگارنگی از شاخه چوبی خشک آویزان شده است که جلوه زیبایی دارد. (کاموهای بالای در و طرح روی در کنار هم یاد آور دار قالی هستند) در داخل کلاس نیز بر خلاف سایر کلاس ها، شش کوزه سفالی، وسایل هنری دیگر، یک کمد و چهار طاقچه جهت نگهداری هنر های دستی دیده می شود. (با توجه به شواهد ما احتمال می دهیم این کلاس یا کلاس هنر بوده یا کاروفناوری)

طبقه بالا جمعا دارای هشت کلاس، کتابخانه، نمازخانه، آینه ای شبیه به آینه طبقه پایین، سطل زباله، پنج رادیاتور، دو زنگ، بلند گو و همچنین علامت های راهنما به سمت در خروجی در طول راهرو است. در راهرو یازده تابلوی اعلانات با رنگ های مختلف دیده می شود. (این تابلو های اعلانات با موضوعات مختلفی همچون: انجمن علمی زبان انگلیسی، انجمن علمی قرآن و... هستند که البته در زمان مراجعه ما همه آن ها خالی اند.)

در کتابخانه بسته بود و ما نتوانستیم داخل آن را مشاهده کنیم. مدرسه دارای نمازخانه ی نسبتا کوچکی است که روی در آن دو پرند از جنس کاغذ رنگی به چشم می خورد ، در سمت چپ درب ورودی جامهری و طبقه ای چوبی برای چادر نمازها، قرآن ها، رحل ها و کتاب های دعا وجود دارد. و روی دیوار سمت چپ تابلوهای اسامی ۱۴ معصوم به شکل لوزی به چشم می خورد. دیوار روبه روی در این نمازخانه تماما پنجره است که فقط در دو

سمت آن دو پنجره باز می شود، این پنجره ها به سالن آمفی تئاتر دید دارند. در سمت قبله نیز عکس امامین انقلاب، دعا و صلوات و همچنین محرابی دست ساز دیده می شود.

کف نماز خانه نیز موکت به همراه چهار عدد فرش است که فرش ها تقریباً تمام فضای نماز خانه را پوشش داده اند. یک رادیاتور نیز برای گرمایش وجود دارد.

۲-۲. مسائل فیزیکی

۱_ بافت مدرسه بسیار قدیمی است و یا ساختمان اصلاً ترمیم نشده است، یا اینکه زمان زیادی از آن می گذرد، و با توجه به زیاد شدن زلزله های این منطقه در سال های اخیر امنیت کافی برای دانش آموزان و کادر مدرسه وجود ندارد.

۲_ به دلیل قدیمی بودن پنجره ها بسیاری از هوای گرمی که شوفاژ ها به وجود می آورند به هدر می رود؛ و در فصول سرد کلاس های نثار را بسیار سرد می کند.

۳_ پله های داخل ساختمان مدرسه بسیار بلند هستند و علاوه بر سخت کردن تردد، به زانو ها آسیب زده و امکان دارد دانش آموزان از آن ها سقوط کنند و آسیب ببینند.

۳-۲. راه حل ها و پیشنهادات مسائل فیزیکی

۱_ با توجه به اینکه این مدرسه به عنوان یک مکان تاریخی شناخته می شود باید سازمان میراث فرهنگی و آموزش و پرورش با همکاری هم اقدام به حفظ و بازسازی این مکان کنند که هم این مکان تاریخی ماندگار شود، هم امنیت کافی برای دانش آموزان و کادر مدرسه فراهم شود.

۲_ پیشنهاد می شود با متخصصان این زمینه مشورت های لازمه انجام گیرد تا پنجره ها با حفظ ظاهر و مدل قدیمیشان دو جداره شوند و علاوه بر حفظ انرژی دمای مطلوب تری را برای کلاس ها فراهم آورند.

۳_ پیشنهاد می شود پله های داخل مدرسه بازسازی و به شکل استاندارد تری دوباره ساخته شوند تا از نهایت امنیت برخوردار شوند.

فصل سوم: گزارش عاطفی

۳-۱. گزارش عاطفی تا تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۹: (آموزش مجازی)

از همان روزی که متوجه شدم باید برای کارورزی یک گزارش عاطفی بنویسیم نگران این موضوع شدم؛ چرا که مجازی بودن مدارس باعث محدود شدن روابط می شود و ما نمی توانیم خیلی در جریان فضای عاطفی مدرسه قرار بگیریم.

روز اولی که به مدرسه رفتیم و گزارش فیزیکی را با هم تهیه کردیم اندکی روابط کادر مدرسه را مشاهده کردیم؛ مهم ترین نکته ای که به چشم می خورد روابط دوستانه در عین حال محترمانه کارکنان بود؛ آن ها باهم می گفتند و می خندیدند اما از حدود نمی گذشتند، و هر زمان که نیاز بود کاری از هم بخواهند با احترام این کار را می کردند و این روابط به شکلی بود که من احساس کردم یک رابطه دوستی چهارچوب دار بین آن ها در جریان است. برای مثال زمانی که مدیر از معاون ها کاری می خواست یا هر یک از اعضای کادر از مستخدم مدرسه کاری می خواستند این خواسته را در عین مهربانی و احترام بیان می کردند

متأسفانه چون فقط آن یک روز در مدرسه حضور داشتم در همین حد این روابط را مشاهده کردم، امیدوارم به زودی مدارس باز شوند تا گزارش دقیق تری را به رشته تحریر در آورم.

تمامی کلاس هایی که من کارورزی خود را در آن ها می گذرانم با یک دبیر یعنی. خانم عبدی است ؛ نوع جملات و نحوه سخن گفتن ایشان با دانش آموزان تلفیقی از مهربانی، احترام، جدیت و دستور است. ایشان در عین مهربانی و احترام جملات امری خود را بیان می کنند و از دانش آموزان توقع دارند کاملاً قانونمند و منظم باشند، ایشان حتی در مواردی مشکلاتی مثل قطعی اینترنت و... را نیز دلیل خوبی برای تاخیر یا انجام ندادن کار ها نمی دانند و در هر صورت خیلی دقیق نمره گذاری می کنند ؛ برداشت دانش آموزان از این برخورد این است که ایشان فکر می کند دارند بهانه می آورند و این موضوع در صحبت هایشان به چشم می خورد، چرا که آن ها نیز دوستان را به بهانه آوردن و حتی در مواردی دروغ گفتن متهم می کردند و با کنایه این منظور را می رساندند که ما می دانیم شما مشکلی ندارید و دارید بهانه می آورید و دروغ می گوئید.

همان طور که قبلاً گفتم من و دوستم نعیمه در این مدرسه دوره کارورزی خود را می گذرانیم و اتفاقی هر دو در یک کلاس مشترک اما با دبیر های متفاوت حضور داریم، زمانی که صحبت ها و فضای عاطفی کلاس با دو دبیر مختلف را باهم مقایسه می کردیم متوجه شدم که این کلاس در زمانی که با دبیر دیگر درس دارند رفتار و صحبت های کاملاً متفاوتی از خود نشان می دهند و در عین محبت و اعتماد باهم صحبت می کنند چراکه معلم نیست. (مشاور است) مشکلات و شرایط دانش آموزان را درک می کند و با محبت از آن ها می پذیرد.

البته این موارد بیشتر در جلسات اول دیده می شد و بعد از گذشت چند جلسه اعتماد متقابلی بین معلم و دانش آموزان شکل گرفت و معلم با درک شرایط دانش آموزان کلاس را برگزار می کند و دانش آموزان نیز بیشتر از همدیگر حمایت کرده و اگر هم کلاسیشان دچار مشکلی شود و معلم بخواهد برای آن نمره منفی در نظر بگیرد شرایط را برای ایشان توضیح می دهند؛ به طور کلی هر چه زمان می گذرد روابط بین معلم با دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر بهتر و مطلوب تر می شود (ابراز علاقه و احترام بیشتری مشاهده می شود)

چون کلاس ها مجازی است روابط معلم با دانش آموزان به رابطه یک طرفه تدریس معلم و رابطه دوطرفه پرسش و پاسخ درس و ارسال تکالیف محدود شده است و عملاً ارتباط عاطفی خاصی شکل نمی گیرد، و عمده جملات غیر درس مربوط به خسته نباشید گفتن های انتهای کلاس و ابراز علاقه و لطف و تشکر گه گاهی دانش آموزان نسبت به معلم خلاصه می شود اما به طور کلی نحوه سخن گفتن دانش آموزان با معلمشان بسیار مؤدبانه و در نهایت احترام است.

در زمینه پرسش های کلاسی رابطه عاطفی بین معلم و شاگردان به نحو مطلوبی است و معلم پس از پاسخ دادن دانش آموزان آن ها را تشویق می کند مخصوصاً اگر داوطلب باشند و در زمانی که دانش آموزان پاسخ گو نباشند صرفاً بیان می کنند که در صورت عدم پاسخ گویی نمره دریافت نکرده و حتی نمره منفی هم می گیرند. (البته ایشان در زمان پرسش و پاسخ فشار زیادی به دانش آموزان نمی آورند و راهنماییشان می کنند، ایشان به

دنبال حفظ مطالب نیستند و اگر دانش آموزان هرچه را که خود فهمیده اند به زبان خود بیان کنند می پذیرند.

هرچه زمان می گذرد دانش آموزان بهتر با شیوه تدریس معلم آشنا می شوند و بازخورد های مثبت بیشتری از طرف دانش آموزان دیده می شود، خلاقیت های معلم همچون گذاشتن زیر صدای باران در ویدیو تدریس درس مربوط به زیست بوم ها و بیان اینکه این درس در جنگل های آمازون ضبط شده و باران سیل آسا همیشگی از ویژگی این جنگل ها است فضای کلاس را تلطیف و انگیزه دانش آموزان را برای شنیدن درس بیشتر می کند.

۲_۳. گزارش عاطفی از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۹: (آموزش نیمه حضوری)

بالاخره روزی که انتظار آن را می کشیدیم فرا رسید؛ و مدارس به شکل نیمه حضوری باز شدند. در اولین روز کارورزی حضوری من و نیمه سعی کردیم زود به مدرسه برویم تا زمانی که معلمان وارد مدرسه می شوند را مشاهده کنیم.

در ابتدای ورودمان مدیر و معاونین را دیدیم که به مدرسه آمده بودند؛ سر آن ها خیلی شلوغ بود و معمولاً پیش نمی آمد که کنار هم قرار بگیرند و هم صحبت شوند و بیشتر صحبت های آن ها صحبت های کاری مربوط بود و در این نوع گفت و گو ها، آن ها با نهایت احترام انجام یک سری کار ها را با توجه به وظیفه هر یک درخواست می کردند.

در همین هنگام بود که معلمان کم کم به مدرسه وارد شدند و با خوشحالی با کادر مدرسه سلام و علیک کردند و پس از ورود به دفتر با معلمان دیگر نیز سلام و علیک کردند.

زمانی که خانم عبدی آمدند خانم عصارى من و نعيمه را به سمت دفتر هدايت کرده و خواستند که به داخل برويم و بنشينيم.

در ابتدای روز صحبت های معلمان بیشتر به سلام و علیک محدود می شد چرا که هر یک از معلمان سریعاً وسایل و دفتر نمره خود را آماده کردند و لباس های اضافه خود را در آوردند و راهی کلاس های درس شدند. اما در زمان زنگ های تفریح که همراه خانم عبدی به دفتر رقتم دیدم که معلمان رابطه ای بسیار صمیمی باهم دارند و پس از ابراز خوشحالی از دیدن همدیگر گرم صحبت شدند، در این بین معلمانی نیز دیده می شدند که دو به دو باهم گرم صحبت بودند و گویا صمیمیت و دوستی عمیق تری میان آن ها برقرار بود. لحن صحبت معلمان باهم رسمیت کمتری نسبت به کادر مدرسه داشت و صمیمیت بیشتری به چشم می خورد.

رابطه معلمان با کادر مدرسه نیز دوستانه و محترمانه بود و خود معلمان به گونه ای عمل می کردند که نیازی به تذکر یا صحبت های دستوری نباشد برای مثال زمانی که معلمان باید به کلاس می رفتند صرفاً خانم عصارى وارد دفتر آموزشگاه می شدند و بدون گفتن نکته ای معلمان خودشان آماده رفتن به کلاس درس می شدند. در زمان شروع کلاس ها خانم عبدی. خوشحالی خود را از حضوری شدن کلاس ها و دیدن دانش آموزان ابراز کردند و دانش آموزان نیز متقابلاً خوشحالی خود را ابراز کردند البته این مورد در میان دانش آموزان سال نهم که قبلاً هم شاگرد خانم عبدی بودند بیشتر دیده می شد.

در تمام طول کلاس فرایند پرسش و پاسخ و همکاری دانش آموزان در کلاس دیده می شد اما هیچ گاه خانم عبدی فشاری به دانش آموزان وارد نمی کردند و پاسخ ها را حتی اگر عین کتاب نبود و چیزی بود که خودشان فهمیده بودند را نیز می پذیرفتند و هر جا آن ها گیر می کردند خانم عبدی راهنماییشان می کردند. به طور کلی جو کلاس خوب بود و در چهره دانش آموزان نشانی از اضطراب یا ناراحتی دیده نمی شد. و با وجود اینکه در این شرایط کار معلمان دوبرابر شده اما خانم عبدی به هیچ وجه در طول کلاس خستگی خود را نشان نمی دادند و با تمام وجود فرایند تدریس را پیش می بردند.

دانش آموزان روابط دوستانه و خوشایندی داشتند، به هیچ عنوان نه در کلاس ها نه راه رو ها مواردی همچون بحث و دعوا دیده نشد و دانش آموزان بسیار از دیدن دوستانشان خوشحال بودند و در طول کلاس گاهی به هم نگاه کرده و لبخند می زدند، آن ها هوای هم را داشتند و از هم حمایت می کردند برای مثال یکی از دانش آموزان آمد پایین تابلو تا بخشی از درس را توضیح دهد و شلوارش بالا رفته بود و دوستانش نیز سریع به او اطلاع دادند. به طور کلی شور و شعف زیادی در چهره های دانش آموزان دیده می شد و در پاسخ به این پرسش که آموزش مجازی بهتر است یا حضوری می گفتند قطعاً حضوری به جز پرسش و امتحانش.

من قبل از اینکه کارورزی حضوری بروم حس می کردم که نمی توانم با دانش آموزان مقطع متوسطه اول ارتباط بگیرم ولی بعد از حضور در این فضا دیدم که خیلی فضای

خوشایند و لذت بخشی است و حالا برای گذشت این دو سال و حضور در میان دانش آموزان لحظه شماری می کنم.

۳_۳. مسائل عاطفی

۱_ بزرگ ترین مسئله ای که در دوران کرونا به چشم می خورد دوری دانش آموزان از محیط مدرسه، معلمان و دوستانشان است که باعث ایجاد مشکلات روحی و عدم آرامش دانش آموزان است.

۲_ عدم اعتماد معلم به دانش آموزان باعث الگوگیری آن ها می شود و آنان را نیز نسبت به دیگران و محیط اطراف بی اعتماد می کند، و مشاهده این موضوع در کلاس های مجازی نگران کننده است.

۳_ در دوران کرونا معلمان بسیار خسته اند، ارتباط نزدیک با دانش آموزان ندارند و حجم کاریشان چند برابر شده و خستگی و آزرده گی روحی معلمان خواه، نا خواه روی تدریس و برخوردشان سر کلاس تاثیر گذار است و صبر و طاقت آن ها را کم کرده است.

۳_۴. راه حل ها و پیشنهادات مسائل عاطفی

۱_ خداروشکر با سریع شدن روند واکسیناسیون و مهیا کردن شرایط مناسب در مدارس امکان نیمه حضوری شدن دانش آموزان فراهم شده و به نظر من در این بازه باید زمان هایی برای دورهم نشستن و صحبت کردن دانش آموزان در قالب های مختلف مانند حلقه

های صالحین فراهم شود تا دانش آموزان دوباره از نظر روحی آرامش بگیرند و مهارت های اجتماعی خود را تقویت کنند.

۲_ طبیعی است که معلمان به دلیل شرایط موجود و راحت بودن امر تقلب نگران این مسئله باشند، اما راه حل این موضوع بی اعتمادی و فشار وارد کردن به دانش آموزان نیست بلکه باید روش ارزشیابی خود را تغییر داده و بیشتر سوال های مفهومی، تحلیلی و مثال زدنی از دانش آموزان پرسند تا متوجه شوند درس را یاد گرفته اند یا خیر.

۳_ در این دوران لازم است مدیر و اداره بیشتر شرایط معلمان را درک کنند و علاوه بر وارد نکردن فشار اضافه حس همراهی بیشتری داشته باشند و گاهی حتی پای درد و دل آن ها بشینند تا حتی اگر مشکلی هم حل نمی شود آن ها آرامش پیدا کنند که دیگران ما را درک می کنند.

فصل چهارم: گزارش آموزشی

۴-۱. گزارش آموزشی تا تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۹: (آموزش مجازی)

با توجه به اینکه تقریباً نیمی از نیم سال اول گذشته و در تمام این مدت من در تمامی کلاس های مطالعات روز یک شنبه خانم عبدی حضور داشتم تصمیم گرفتم گزارش آموزشی ام را با توجه به مشاهدات تمام این مدت بنویسم و صرفاً بر اساس یک جلسه گزارش نویسی نکنم.

خانم عبدی همیشه پنج الی ده دقیقه قبل از شروع کلاس پیامی را جهت ثبت حضور _ غیاب دانش آموزان به گروه های درسی ارسال می کند. (این نوع پیام از امکانات شاد است و به همین منظور طراحی شده است.)

پس از آن همیشه کلیپی شاد که محتوای آن شامل سلام و احوال پرسى با دانش آموزان و جملات انگیزشی برای آن هاست، ارسال می کند؛ این کلیپ ها هر کدام برای یک روز تقویم ساخته شده اند و علاوه بر روز و تاریخ ذکر مخصوص آن روز را نیز بیان می کنند و در نهایت حاوی پیام خوش آمد گویی به دانش آموزان برای حضور در کلاس مطالعات اجتماعی هستند.

سومین پیام ارسالی همیشه برنامه کاری آن روز است؛ در این پیام خانم عبدی برای دانش آموزان توضیح می دهد که می خواهند آن جلسه چه کار هایی انجام دهند.



پس از ارسال این پیام ها خانم عبدی چند دقیقه ای (بین پنج تا ده دقیقه) صبر می کنند تا دانش آموزان حضور و غیابشان را ثبت کنند، سپس غایبین کلاس را اعلام و کلاس را به شکل رسمی شروع می کنند. (در مواقعی که نمی توانند از گفت و گوی صوتی استفاده کنند، گروه را باز می کنند و با پیام صوتی فرایند پرسش و پاسخ را انجام می دهند، خانم عبدی در زمان پرسش ها ابتدا از درس قبلی با صدا کردن نام عده ای از دانش آموزان از آن ها ارزشیابی را به عمل می آورند، سپس دانش آموزانی که می خواهند داوطلب می شوند تا به سؤالاتی مربوط به درسی که در همان جلسه تدریس شده است پاسخ بدهند.) این افراد علاوه بر نمره عادی، نمره مثبتی نیز دریافت می کنند.)

خانم عبدی هیچ ارزشیابی آغازینی انجام نمی دهند و فرایند تدریس خودشان را با ارسال تصویر خلاصه دست نویسی از درسی که می خواهند آن روز تدریس کنند شروع می کنند ؛ این خلاصه نویسی به شکل سوالی نوشته شده است و پس از آن فایل پی دی افی به گروه ارسال می کنند که حاوی درسنامه و پاسخ سؤالات خلاصه درس است.

در مرحله بعدی کلیپی ارسال می کنند که در آن تصویر همان خلاصه در آن است و با استیکر قسمت های مختلف را به ترتیب نشان داده و توضیح می دهند. در این کلیپ ها تصویر ایشان وجود ندارد و دانش آموزان فقط صدای معلم را می شنوند، شیوه تدریس ایشان سخنرانی است و چون از فایل های از قبل ضبط شده استفاده می کنند دانش آموزان در فرایند تدریس مشارکتی نمی کنند.

در مدتی که من کاروز خانم عبدی بودم تنها یک مورد فعالیت جهت افزایش انگیزه دانش آموزان برای گوش دادن درس را مشاهده کردم؛ ایشان در جلسه ای که درس زیست بوم ها را به دانش آموزان می دادند از موسیقی متن صدای باران استفاده کردند و در دو پیام به دانش آموزان گفتند درس امروز در جنگل های آمازون ضبط شده، باران سیل آسا از ویژگی های همیشگی این جنگل ها است.

موارد بعدی که خانم عبدی در گروه بار گذاری می کنند دو فایل پی دی اف حاوی سوالات متن و فعالیت های درس و کاربرگه های درس هستند. در بعضی جلسات نیز دانش آموزان به شکل داوطلب درس آن روز را تدریس می کنند و برای خانم عبدی می فرستند، خانم عبدی نیز بعد از بارگزاری آن ها در گروه، دانش آموز را تشویق و از آن تشکر می کند.

در نهایت نیز خانم عبدی فایل تدریس سرگروه یکی از شهر ها را که از آپارات دانلود کرده اند برای یادگیری بیشتر دانش آموزان در گروه بارگزاری می کنند.

سپس فرایند ارزشیابی آغاز می شود؛ خانم عبدی همیشه تلاششان این است که پرس و پاسخ کلاسی را از طریق امکان گفت و گو صوتی برنامه شاد انجام دهند البته در بعضی روز ها اینترنت و برنامه شاد همکاری نمی کنند و امکان استفاده از این قابلیت نیست. (خانم عبدی بعد از پایان فرایند ارزشیابی از دانش آموزانی که در پرسش و پاسخ شرکت کردند تشکر می کند).

ایشان هر چهار الی پنج درس یک بار نیز تست ارزشیابی از دانش آموزان می گیرند، در جلساتی که دانش آموزان تست دارند خانم عبدی در ابتدای کلاس سوالات را بارگذاری می کنند و پس از تعیین زمان مشخصی برای ارسال پاسخ ها گروه را باز می کنند، دانش آموزان نیز بعد از اینکه زمان پاسخ گوییشان تمام می شود از برگه های خودشان که در سربرگ آن نام و نام خانوادگی، شماره کلاس را نوشته اند به گروه ارسال می کنند و خانم عبدی بعد از تصحیح برگه ها معمولا در طول همان هفته جاری نمرات همه دانش آموزان را در گروه بارگزاری می کنند.

در پایان هر کلاس خانم عبدی پنج نفر از دانش آموزان را نام می برد که باید تصویر خلاصه نویسی که از درس انجام دادند و فعالیت ها و کاربرگه هایی که حل کردند و مربوط به درس جلسه قبل بودند را به گروه کلاس ارسال و نمره دریافت کنند. (معمولا برای این کار خانم عبدی نیم ساعت زمان در نظر می گیرند و در این بازه گروه را باز می گذارند).

همواره خانم عبدی کلاس را با ارسال پیام خسته نباشید و خداحافظی تمام می کنند و دانش آموزان نیز با ارسال پیام هایی این چنین گروه را ترک می کنند.

۲-۴. گزارش آموزشی از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۹: (آموزش نیمه حضوری)

مدرسه ریحانه النبی در تاریخ بیست و نهم آبان ماه کلاس هایش را به شکل حضوری برگزار کرد. البته برای این کار دانش آموزان هر کلاس را به دو گروه تقسیم کرد و یک گروه از دانش آموزان تدریس ها را حضوری و یک گروه مجازی دریافت می کردند و جای آن ها یک روز درمیان عوض می شود، معلمان نیز در زمان زنگ تفریح و قبل از شروع هر کلاس حضوری فایل تدریس مربوط به آن جلسه را در گروه برای دانش آموزانی که آن روز آموزششان مجازی بود قرار می دادند.

بعد از ورود من و خانم عبدی به کلاس ایشان با دانش آموزان سلام و علیک و از ملاقات حضوری آن ها ابراز خوشحالی کردند (ایشان به دانش آموزان سال نهم که قبلا نیز در سال هفتم معلم آن ها بوده اند بیان کردند که چقدر بزرگ شدند و از دیدن دوباره آن ها ابراز خوشحالی کردند)

خانم عبدی برای کلاس های هشتم که سال اولی بود که با آن ها کلاس داشتند روند تدریس خود را توضیح دادند اما چون دانش آموزان پایه نهم روش تدریس حضوری ایشان را می دانستند دیگر این کار را نکردند.

سپس همانند کلاس های مجازی برنامه کاری آن روز را برای دانش آموزان بیان کردند.

روش تدریس ایشان به شرح زیر بود:

در ابتدا یکی از دانش آموزان را به شکل داوطلبانه انتخاب کردند تا خلاصه ای را که خودشان از قبل روی کاغذ نوشته بودند (همان برگه هایی بودند که ایشان تصویر آن ها را در گروه قرار می دادند و از روی آن تدریس می کردند) را به او دادند تا روی تابلو بنویسند (این فرد نمره مثبتی دریافت کرد). در این بین دانش آموزان به ترتیب از ردیف اول شروع کردند درس را به طور کامل رو خوانی کردند. بعد از اینکه رو خوانی تمام شد خود خانم عبدی بخشی از درس را از روی خلاصه ای که روی تابلو نوشته شده بود توضیح دادند و سپس بار دیگر به شکل سوال و جواب با کمک دانش آموزان توضیح دادند (دانش آموزانی که پاسخ میدادند نمره مثبتی دریافت می کردند)، و پس آن یک دانش آموز را به شکل داوطلب انتخاب کردند تا بیاید و همین بخش را کاملاً توضیح دهد (این فرد نمره ای دریافت می کند)، اگر وقت بود حتی در مواردی دو نفر آن بخش را توضیح می دادند. سپس سراغ بخش بعدی رفته و همین فرایند تا انتهای درس ادامه داشت. (این روش باعث می شد که اگر دانش آموزان حواسشان به کلاس باشد بتوانند مباحث را به طور کامل بیاموزند و در خانه به یک مرور بیشتر احتیاج نداشته باشند)

به دلیل کوتاه کردن زمان کلاس ها بخاطر کرونا خانم عبدی معمولاً نمی رسیدند درس را به طور کامل در کلاس تدریس کنند و دانش آموزان باید ما بقی درس را از طریق فایل های تدریس بارگزاری شده در گروه بیاموزند.

شیوه تدریس حضوری خانم عبدی بسیار با تدریس مجازی ایشان متفاوت بود و دیگر به شکل سخنرانی صرف نبود و دانش آموزان کاملاً در فرایند تدریس حضور داشتند و روش‌هایی همچون آموزش انفرادی، سخنرانی، آموزش برنامه‌ای و روش بحث گروهی استفاده می‌کردند.

۴_۳. مسائل آموزشی

۱_ تدریس خانم عبدی در فضای مجازی و حضوری بسیار متفاوت بود و تدریس مجازی کیفیت تدریس حضوری را نداشت. من علت این امر را محدود بودن امکانات مجازی و زمان می‌دانم، چرا که باعث می‌شود معلم مجبور به استفاده صرف از روش سخنرانی شود

۲_ هر فردی شیوه یادگیری متفاوتی دارد؛ برخی دیداری، برخی شنیداری، برخی جنبشی و لمسی هستند. در آموزش‌های حضوری با استفاده از شیوه‌های تدریس متفاوت نیاز تمامی دانش‌آموزان برآورده می‌شود اما در کلاس‌های مجازی فقط دانش‌آموزانی که شیوه یادگیری شنیداری دارند می‌توانند درس را به خوبی یاد بگیرند و مابقی دچار مشکل می‌شوند.

۳_ در آموزش مجازی معلم متوجه اشکالات و ضعف همه دانش‌آموزان نمی‌شود چرا که برخی صادقانه از دانش خودشان به سوالات و امتحان‌ها پاسخ نمی‌دهند، در نتیجه یادگیری دانش‌آموزان افت می‌کند.

۴-۴. راه حل ها و پیشنهادات مسائل آموزشی

۱- اطلاع دارم که بعضی مدارس خاص که از بودجه کافی برخوردارند از فضا هایی همچون اسکای روم برای تدریس های مجازی استفاده می کنند و فضای کلاس مجازی را به کلاس حضوری نزدیک می کنند، به نظرم یا به مدارس بودجه ای بدهند که از این نوع برنامه ها استفاده کنند یا اینکه امکانات و کارایی برنامه شاد را بالا ببرند ؛ گفت و گوی صوتی احتمالا به این دلیل به وجود آمده است اما چون هنوز خیلی قوی نیست خیلی قابل استفاده نیست و معمولا به خوبی وصل نمی شود.

۲- به نظرم مدرسه و اداره باید شرایط و امکانات ضبط فیلم های با کیفیت تدریس را برای معلمان فراهم کنند تا دانش آموزانی با یادگیری تصویری با دیدن تصویر معلم و تدریس ایشان درس را به خوبی یاد بگیرند، برای دانش آموزانی با یادگیری جنبشی و لمسی نیز معلم فعالیت هایی عملی و مرتبط با درس را در نظر بگیرد و به آن ها بگوید اگر علاقه دارند آن ها را انجام دهند و بخشی از نمره مستمرشان را از این طریق دریافت کنند.

۳- معلمان باید در فضای جدید از شیوه های ارزشیابی جدید استفاده کنند و پرسش ها را اگر ممکن است به شکل تماس تصویری و اگر نه به شکل گفت و گوی صوتی انجام دهند و به طور کلی رویکرد و روش ارزشیابی خود را تغییر دهند و سوالات تحلیل، مفهومی، تحقیق و مثال زدنی طرح کنند.

نتیجه گیری

از آنجایی که رسالت اصلی دانشگاه فرهنگیان تربیت نیروی متخصص و کارآمد در آموزش و پرورش کشور می باشد لذا درس کارورزی از جمله واحدهای درسی مهم و حیاتی می باشد. در این راستا این نکته قابل توجه است که دانستن، توانستن نیست. اما توانستن می تواند دانستن هم باشد، چون هر کار درستی که انجام شود، باید از روی دانستن انجام گرفته باشد. به همین دلیل اهمیت و ضرورت اجرای برنامه کارورزی برای کسب صلاحیت های حرفه ای معلمان تا این اندازه مهم است و به عقیده بسیاری از افراد، بدون گذراندن واحدهای مربوط به کارورزی، نباید به دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان، اجازه تدریس در مدارس داده شود. کارورزی در حین تحصیل در دانشگاه موجب می شود که ؛ ۱. اطلاعات نظری دانشجو معلمان به عمل در می آید و دو عامل موثر در تدریس، یعنی علم و عمل باهم توأم می شود، ۲. دانشجو معلمان از فرایند تئوری و نظری یاددهی و یادگیری خارج و با محیط واقعی و فرایند حقیقی یاددهی و یادگیری آشنا می شوند، ۳. به طور ملموس و واقعی مشکلات تدریس را حس می کنند و در مدرسه یا دانشکده با مدرسان در میان می گذارند و از راهنمایی های علمی و عملی آنان بهره مند می شوند، ۵. با تمرین معلمی اعتماد به نفس لازم را کسب کرده تا حدودی خود می توانند بدون اضطراب در مدارس، به تدریس شوند، ۶. با قوانین و مقررات آموزشی در مدرسه و کلاس و تا حدودی با وظایف کارکنان آشنا می شوند.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir
www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

■ تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 ■ روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش **مدیر اجرایی همایش** **مدیر علمی و مسئول همایش**
 کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ دکتر شهلا رضایی دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران **ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره**
 OLOMENSANI@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیر خانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 (در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قیادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)










